



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان‌شناسی

گروه زبان‌شناسی همگانی

پایان‌نامه دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی

بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی

استاد راهنما:

دکتر آرزیتا افراشی

استادان مشاور:

دکتر مصطفی عاصی

دکتر یحیی مدرسی

پژوهشگر:

مریم مسگرخویی

تابستان ۱۳۹۲



تقدیم به

خانواده دوست داشتنی ام،

خانواده مهربان همسر

و تقدیم به

همسر به پاس زیباترین لحظات زندگی

سپاس از

دکتر علی محمد حق شناس به خاطر سخن شیرینش

دکتر مصطفی عاصی به خاطر خوبی های تمام ناشدنی اش

دکتر یحیی مدرسی به خاطر مهربانی های صمیمانه اش

دکتر محمدرضا باطنی به خاطر جدیت دوست داشتنی اش

دکتر احمد صفارمقدم به خاطر دلسوزی اش

دکتر محمد دبیرمقدم به خاطر عشقش به زبان

دکتر شهین نعمت زاده به خاطر لطف مهر آمیزش

و دکتر آرزیتا افراشی که دوستش دارم برای همه چیز

چکیده

حرکت تجربه‌ای بنیادین برای انسان است، تجربه‌ای که در زندگی او همواره تکرار می‌شود و با بسپاری از نیازهای ارتباطی اشدر پیوند است. از این رو، حرکت در همهٔ زبان‌ها بازنمود می‌یابد و هر زبان با به‌کارگیری عناصر و ویژگی‌های معینی می‌تواند این پدیده را بازتاب دهد. در واقع زبان‌ها در بازنمود زبانی حرکت متفاوت عمل می‌کنند. تالمی (۱۹۸۵، ۲۰۰۰) با توجه به اینکه اجزای مختلف رویداد حرکت در کدام یک از عناصر زبانی واژگانی می‌شود، زبان‌ها را به دو ردهٔ تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد تقسیم کرد. زبان‌های تابع‌بنیاد، مانند عنصر هسته‌ای رویداد حرکت، یعنی مسیر، را در تابع‌ها یا در عبارت‌های حرف اضافه بیان می‌کنند و فعل را برای بازنمایی شیوهٔ حرکت به کار می‌گیرند. در مقابل، زبان‌های فعل‌بنیاد، مانند عموماً مسیر را در فعل اصلی بیان می‌کنند، و بیان شیوه را به عبارت‌های اختیاری، مانند قیده‌ها، واگذار می‌کنند. تالمی (۱۹۸۵، ۲۰۰۰) همچنین از بررسی این‌که در زبان‌های مختلف، کدام عنصر معنایی رویداد حرکت در ریشهٔ فعل بازنمود می‌شود سه ردهٔ زبانی معرفی می‌کند. بر این اساس وی سه الگوی واژگانی‌شدگی اصلی را معرفی می‌کند. هدف رسالهٔ حاضر این است که تحلیلی معناشناختی از فعل‌های حرکتی زبان فارسی به دست دهد و به این پرسش پاسخ دهد که اجزای مختلف رویداد حرکت از طریق چه الگوهایی در فارسی بازنمایی می‌شوند و فعل‌های حرکتی فارسی کدام اطلاعات معنایی را دربارهٔ اجزای رویداد حرکت (از جمله مسیر و شیوه) در بر دارند. به این منظور، کلیهٔ فعل‌های حرکتی فارسیاز فرهنگ سخن انتخاب شدند، بر این اساس که در تعریف‌های ارائه‌شده برای هر فعل اگر اشاره‌ای به حرکت یا اجزای رویداد حرکت شده بود، آن فعل به عنوان فعل حرکتی انتخاب شد. پس از گردآوری فعل‌ها، برای هر کدام از آنها از پایگاه داده‌های زبان فارسی یا فرهنگ سخن شاهدهی به دست آمد. با توجه به تعریف‌های ارائه‌شده و شاهدهای گردآوری شده، ابتدا الگوهای عمومی ترکیب اجزای رویداد حرکت در فعل‌های فارسی بررسی و طبقه‌بندی شدند. سپس انواع اطلاعات مسیر و شیوه که در فعل‌های فارسی بازنمود می‌یابند تحلیل طبقه‌بندی شدند. نتایج نشان می‌دهد که ترکیب جزء حرکت با یک واحد معنایی (مسیر یا شیوه) مهمترین الگوی واژگانی‌شدگی در فارسی است. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که ۱۴ نوع اطلاعات مسیر و ۲۰ نوع اطلاعات شیوه می‌تواند در فعل‌های حرکتی فارسی بازنمود یابد. از جمله دیگر نتایج این رساله این است که زبان فارسی رده‌شناسی دوگانهٔ پیشنهادی تالمی (۲۰۰۰) را به چالش می‌کشد و نظریات اصلاحی پژوهشگرانی مانند برمن و اسلوبین (۱۹۹۴) و ایبارتس-آنتوناو (۲۰۰۴) را تایید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الگوی واژگانی‌شدگی، رویداد حرکت، زبان تابع‌بنیاد، زبان فعل‌بنیاد، فعل مسیرنما، فعل شیوه‌نما.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: مقدمه
۲	۱-۱ طرح مسئله و ضرورت انجام پژوهش
۳	۲-۱ معرفی پژوهش
۴	۱-۲-۱ سؤال‌های پژوهش
۴	۲-۲-۱ فرضیه‌های پژوهش
۵	۳-۱ روش پژوهش
۶	۴-۱ مفاهیم بنیادی
۸	۵-۱ ساختار پژوهش
	فصل دوم: مبانی نظری
۱۱	۱-۲ مقدمه
۱۲	۲-۲ طبقه‌بندی و تحلیل افعال حرکتی در زبان‌شناسی
۱۲	۱-۲-۲ تعامل نحو و معنی‌شناسی
۱۴	۲-۲-۲ مدل نقشی - واژگانی
۱۵	۳-۲-۲ دادگان فعلی برخط
۱۶	۳-۲ زبان‌شناسی شناختی

۱۸	۴-۲ معنی‌شناسی شناختی
۱۹	۱-۴-۲ ماهیت دایرةالمعارفی معنی
۲۰	۲-۴-۲ مقوله‌بندی
۲۱	۳-۴-۲ جسم‌مداری معنی: طرح‌واره‌های تصویری
۲۴	۴-۴-۲ ساخت مفهومی
۲۵	۵-۲ معنی‌شناسی مفهومی
۲۶	۱-۵-۲ نظام‌های طرح‌واره‌ای
۲۹	۶-۲ نظریه‌ الگوهای واژگانی‌شدگی تالمی
۳۱	۱-۶-۲ مفهوم رویداد
۳۲	۲-۶-۲ رویداد حرکت و اجزاء آن
۳۲	۱-۲-۶-۲ انواع حرکت
۳۳	۲-۲-۶-۲ هم‌رویدادهای حرکت
۳۶	۳-۶-۲ رده‌شناسی سه‌گانه: ریشه‌ فعل
۳۷	۱-۳-۶-۲ الگوی واژگانی‌شدگی: حرکت + هم‌رویدادها
۳۸	۲-۳-۶-۲ الگوی واژگانی‌شدگی: حرکت + مسیر
۳۹	۳-۳-۶-۲ الگوی واژگانی‌شدگی: حرکت + پیکر
۴۰	۴-۶-۲ رده‌شناسی دوگانه: مسیر حرکت
۴۱	۵-۶-۲ سایر اجزاء رویداد حرکت
۴۳	۶-۶-۲ تغییرات رده‌شناختی

۴۳	۷-۲ نظریات اصلاحی
۴۴	۱-۷-۲ زبان دوقطبی
۴۶	۲-۷-۲ پیوستار برجستگی شیوه
۴۸	۳-۷-۲ پیوستار برجستگی مسیر
۴۹	۸-۲ فرضیه نسبت زبانی
۵۱	۱-۸-۲ فرضیه نسبت زبانی ساپیر و ورف
۵۲	۲-۸-۲ فرضیه اندیشه برای صحبت کردن اسلوبین
۵۳	۹-۲ جمع بندی
	فصل سوم: پیشینه پژوهش
۵۶	۱-۳ مقدمه
۵۷	۲-۳ پژوهش های فلسفی درباره حرکت
۶۰	۳-۳ پژوهش های روان شناختی درباره حرکت
۶۱	۴-۳ مطالعات پیش از تالمی (۱۹۸۵)
۶۵	۵-۳ مطالعات پس از تالمی (۲۰۰۰)
۶۶	۱-۵-۳ سبک روایی
۶۹	۲-۵-۳ ترجمه
۷۱	۳-۵-۳ زبان اشاره
۷۳	۴-۵-۳ زبان بدن و جنبه غیرزبانی بیان حرکت
۷۴	۵-۵-۳ فراگیری زبان اول

۷۵	۳-۵-۶ پردازش زبان
۷۷	۳-۵-۷ نسبیت زبانی و حرکت
۷۷	۳-۵-۷-۱ رابطه زبان و تفکر
۷۸	۳-۵-۷-۲ عدم ارتباط زبان و تفکر
۷۹	۳-۶ مطالعات ایرانی
۸۰	۳-۷ جمع‌بندی

فصل چهارم: تحلیل داده‌ها

۸۵	۴-۱ مقدمه
۸۶	۴-۲ فعل مرکب فارسی
۸۷	۴-۲-۱ ترکیب
۸۸	۴-۲-۲ انضمام
۹۰	۴-۲-۳ جمع‌بندی مقدماتی
۹۲	۴-۳ فعل‌های حرکتی زبان فارسی
۹۹	۴-۴ مفاهیم رمزگذاری شده در فعل‌های حرکتی فارسی
۱۰۳	۴-۵ فعل مسیرنمای فارسی
۱۰۹	۴-۶ فعل شیوه‌نمای فارسی
۱۲۱	۴-۷ جمع‌بندی

فصل پنجم: نتایج پژوهش

۱۲۳	۵-۱ مقدمه
-----	-----------

۱۲۴	۲-۵ نتایج
۱۲۵	۱-۲-۵ مشاهدات عمومی
۱۲۸	۲-۲-۵ فعل مسیرنمای فارسی
۱۲۹	۳-۲-۵ فعل شیوه‌نمای فارسی
۱۳۰	۳-۵ پیشنهادات
۱۳۱	۴-۵ کاربردها
۱۳۳	۵-۵ ملاحظات دربارۀ فرهنگ‌های لغت
۱۳۵	کتاب‌نامه
۱۵۰	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۱۵۶	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۱۶۲	پیوست

فهرست جدول‌ها

۷۱	جدول ۱-۳
۱۰۰	جدول ۱-۴
۱۰۵	جدول ۲-۴
۱۱۰	جدول ۳-۴
۱۱۳	جدول ۴-۴
۱۱۹	جدول ۵-۴

فهرست شکل‌ها

۲۶

شکل ۱-۲

فهرست نمودارها

۱۰۳

نمودار ۱-۴

۱۲۰

نمودار ۲-۴

فصل اول

مقدمه

۱-۱ طرح مسئله و ضرورت انجام پژوهش

حرکت^۱ یکی از بنیادی‌ترین تجربه‌های بشر است؛ این تجربه به طور گسترده و تکرارشونده در زندگی روزمره انسان و در نیازهای ارتباطی او روی می‌دهد. از این رو به نظر می‌رسد حرکت به صورت یک مفهوم جهانی، در همه زبان‌های دنیا بازنمود یابد. در واقع زبان‌ها در بیان حرکت متفاوت عمل می‌کنند و هر کدام برای بازنمود حرکت از ویژگی‌ها و عناصر خاصی استفاده می‌کنند. تالمی^۲ (۱۹۸۵، ۲۰۰۰) زبان‌ها را در نوع بیان رویداد حرکت به دو دسته زبان‌های تابع‌بنیاد^۳ و زبان‌های فعل‌بنیاد^۴ تقسیم کرد. این دسته‌بندی براساس چگونگی بازنمود اجزاء مختلف رویداد حرکت در عناصر زبان است. انگلیسی و ترکی نمونه‌هایی از زبان‌هایی‌اند که چنین مطالعه بر آنها صورت پذیرفته است. انگلیسی به عنوان زبانی تابع‌بنیاد، جزء هسته‌ای حرکت^۵، یعنی مسیر^۶ یا جهت حرکت، را در تابع‌ها^۷ (برای نمونه *down, up*) یا در عبارتهای حرف اضافه (برای نمونه *into/out of the house*) بیان می‌کند و رمزگذاری شیوه^۸ حرکت را برعهده جزء فعلی می‌گذارد. ترکی، به عنوان زبانی فعل‌بنیاد، عموماً مسیر را در فعل اصلی بیان می‌کند و بیان شیوه را به افزوده‌ها واگذار می‌کند (برای نمونه *girmek* (وارد شدن) و *çikmak* (خارج شدن) مسیر حرکت را نشان می‌دهند). اما باید به خاطر داشته باشیم که رده‌های معرفی‌شده تنها گرایش‌های زبان را نشان می‌دهند، نه تفاوت مطلق بین زبان‌ها را (برمن^۹ و

¹ motion

² L. Talmy

³ satellite-framed

⁴ verb-framed

^۵ برحسب قرارداد در انگلیسی اجزاء اصلی حرکت با حرف بزرگ شروع می‌شوند.

⁶ Path

(این واژه در زبان انگلیسی واژه‌ای بسیار کلی است. اما منظور تالمی و دیگری پژوهشگران حوزه حرمت از «مسیر» جهتی است که پیکر هنگام حرکت می‌پیماید).

⁷ Satellite

(مفهوم تابع در آثار مربوط به رویداد حرکت همچنان مفهومی مبهم است و در زبان‌های مختلف تابع‌ها اجزاء ساختاری گوناگونی را به خود اختصاص می‌دهند).

⁸ Manner

⁹ R. Berman

اسلوبین^۱، (۱۹۹۴)؛ زیرا هر دو گونه از زبان فعل‌هایی دارند که هم مسیر و هم شیوه را بازنمایی می‌کنند. به‌علاوه در برخی زبان‌ها فعل‌هایی یافت می‌شوند که اجزاء معنایی دیگر رویداد حرکت (پیکر^۲ و زمینه^۳) را رمزگذاری می‌کنند.

اثر تالمی (۱۹۸۵، ۲۰۰۰) در حوزه رده‌شناسی باعث شد در دو دهه اخیر تحقیقات متنوعی برای توصیف رویداد حرکت در زبان‌های مختلف و در حوزه‌های مختلف به انجام برسد. این تحقیقات برای درک تفاوت اصلی بین زبان‌های تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد بیشتر به جزء شیوه توجه کرده‌اند. در نتیجه جزء مسیر را که هسته رویداد حرکت است و در فعل یا در تابع رمزگذاری می‌شود کمتر در نظر گرفته‌اند. به‌علاوه، این پژوهش‌ها اجزاء معنایی دیگر رویداد حرکت (مانند زمینه و پیکر) را که ممکن است در واژگان فعل‌های حرکتی زبان‌های تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد بازنمود داشته باشند غالباً در نظر نمی‌گیرند.

علی‌رغم شمار زیادی از پژوهش‌ها درباره بازنمود رویداد حرکت در زبان‌های مختلف و نیز درباره معنی‌شناسی فعل‌های شیوه‌نما^۴، به سختی می‌توان تحقیقی را یافت که به طور خاص به تحلیل دقیق فعل‌های حرکتی در زبان بپردازد. هدف رساله حاضر این است توصیفی نظام‌مند و دقیق از معنی‌شناسی فعل‌های حرکتی فارسی به دست دهد. یافته‌های این رساله می‌تواند برای تحقیقاتی که تأثیر الگوهای معناساختی مختلف را بر روی شناخت غیرزبانی بررسی می‌کند مفید باشد. همچنین آشنایی با ویژگی‌های زبانی بیان‌کننده رویدادهایی مانند حرکت در ترجمه و آموزش زبان و نیز در پژوهش‌های معطوف به زبان‌آموزی کودک و فرهنگ‌نگاری مشکل‌گشا خواهد بود.

۱-۲ معرفی پژوهش

همانطور که پیشتر گفته شد، هدف اصلی این رساله فراهم کردن شرحی نظام‌مند از معنی‌شناسی بخش عمده‌ای از فعل‌های حرکتی فارسی است. از آنجایی که در همه زبان‌ها برای نشان دادن حرکت، از عناصر فعلی استفاده می‌شود، نقطه آغاز پژوهش حاضر در زبان فارسی، بررسی فعل‌های حرکتی فارسی و درک نحوه بازنمود همه اجزاء معنایی حرکت در آنهاست. این اجزاء عبارتند از حرکت، پیکر، زمینه، مسیر و شیوه. به‌علاوه تحلیل‌های این رساله شامل دسته‌بندی دقیق نوع اطلاعات مسیر و شیوه در فعل‌های فارسی است. برای دستیابی به این هدف انواع مسیر را که پژوهشگرانی چون برتله^۵ (۲۰۰۴) و والچلی^۶ (۲۰۰۱) و نیز شماری از مقوله‌ها و

¹ D. I. Slobin

² Figure

³ Ground

⁴ manner-verb

⁵ R. Berthele

⁶ B. Wälchli

پارامترهای شیوه که کسانی چون ایبارتس-آنتونانو^۱ (۲۰۰۶الف)، اوزچالیشکان^۲ (۲۰۰۴) و اسلوبین (۲۰۰۰)، (۲۰۰۵) معرفی کرده‌اند در نظر خواهیم گرفت و در صورت نیاز انواع دیگر دسته‌بندی‌ها را نیز ارائه خواهیم داد.

۱-۲-۱ سؤال‌های پژوهش

این رساله با هدف پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر نگارش می‌یابد:

- (۱) کدام مفاهیم رویداد حرکت در فعل‌های حرکتی فارسی رمزگذاری می‌شوند؟
- (۲) کدام نوع از اطلاعات مسیر در فعل‌های مسیرنمای^۳ فارسی بازنمود می‌یابد؟
- (۳) کدام نوع از اطلاعات شیوه در فعل‌های شیوه‌نمای فارسی بازنمود می‌یابد؟

۱-۲-۲ فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌هایی که بر مبنای پرسش‌های پژوهش مطرح می‌شوند، عبارتند از:

- فرضیه (۱). همه اجزاء معنایی رویداد حرکت (جزء حرکت، مسیر، شیوه، پیکر، سبب) در فعل‌های حرکتی زبان فارسی رمزگذاری می‌شوند.
- فرضیه (۲). فعل‌های حرکتی فارسی انواع مختلف اطلاعات مسیر را رمزگذاری می‌کنند و از این رو می‌توان این اطلاعات را در دسته‌بندی‌های مختلفی جای داد.
- فرضیه (۳). فعل‌های حرکتی فارسی انواع مختلف اطلاعات شیوه را رمزگذاری می‌کنند و از این رو می‌توان این اطلاعات را در دسته‌بندی‌های مختلفی جای داد.

¹ I. Ibrirxxe-nn tuño

² .. ççç şşşkan

³ path verb

۳-۱ روش پژوهش

به‌طور کلی براساس معیارهای معرفی‌شده از سوی تالمی (۲۰۰۰ب) برای انواع فعل‌های حرکتی و اجزاء آنها، ۳۳۵ فعل حرکتی فارسی از فهرست فعل‌های فارسی که در فرهنگ لغت سخن مدخل یا زیرمدخل شده‌اند جمع‌آوری شده است. به‌این ترتیب که در بررسی تعریف‌هایی که برای فعل‌ها در فرهنگ داده شده است، مواردی که در تعریفشان اشاره‌ای به حرکت و انواع و اجزاء آن شده باشد آن فعل را به عنوان فعلی حرکتی انتخاب کردیم. لازم به ذکر است که با توجه به شم زبانی نگارنده، فعل‌های حرکتی دیگری در زبان فارسی نیز وجود دارند که در این فرهنگ مدخل نشده‌اند، اما با توجه به اینکه در این رساله ملاک انتخاب افعال براساس تعاریف فرهنگ لغت فوق است از درج موارد دیگر خودداری شده است. فعل‌های حرکتی مورد بررسی در پژوهش حاضر شامل فعل‌های ساده، فعل‌های مرکب و فعل‌های گروهی است. در انتخاب فعل‌ها، خود را به سبک زبانی خاصی محدود نکرده‌ایم؛ و صرفاً نمونه‌هایی را که در فرهنگ لغت برچسب قدیمی و منسوخ داشته‌اند را از حوزه بررسی کنار نهاده‌ایم. به‌این ترتیب همه فعل‌های حرکتی فارسی در صورتی که رایج و مسموع بوده‌اند انتخاب و تحلیل شده‌اند. همچنین فعل‌های مورد نظر شامل فعل‌های حرکت عمومی^۱ (فعل‌هایی که غیر از جزء حرکت هیچ اطلاعات معناشناختی خاصی ندارد، مانند حرکت کردن)، فعل‌های همراهی^۲ مانند اسکورت کردن، فعل‌های مسیرنما مانند وارد شدن، و فعل‌های شیوه‌نما مانند دویدن است. تحلیل ما از فعل‌های حرکتی با توجه به تعریف‌های ارائه‌شده برای هر فعل در فرهنگ لغت و نیز شواهد جمع‌آوری‌شده برای آنها انجام شده است.

شواهد و مثال‌ها ابتدا از پایگاه داده‌های زبان فارسی جمع‌آوری شده‌اند، زیرا شواهد این پایگاه داده‌ها به گونه خاصی از زبان (به عنوان مثال گونه محاوره) محدود نشده است و به دلیل طیف گسترده آثار گردآمده در آن، گونه‌ها اجتماعی، سبکی و کاربردی مختلفی را (بیشتر در نوشتار و تاحدودی در گفتار) دربرمی‌گیرد و بازتابی است از کاربرد زبان فارسی معاصر در بخش قابل ملاحظه‌ای از گونه‌های آن. در صورتی که به دلیل مشکلات جستجو در این پایگاه موفق به یافتن مثال مناسبی نشدیم از مثال‌های فرهنگ بزرگ سخن استفاده کردیم و تنها برای چند مثال محدود، مجبور به استفاده از داده‌های جستجوگر گوگل شدیم.

به‌این ترتیب اطلاعات معنایی خاصی که به نظر می‌رسد در هر فعل بازنمود یافته باشد به دست داده شده است. این اطلاعات شامل (الف) اطلاعات معناشناختی عمومی، (ب) اطلاعات معناشناختی فعل‌های مسیرنما، و (پ) اطلاعات معناشناختی فعل‌های شیوه‌نما است. به‌طور کلی این روش ما را قادر خواهد ساخت تا درک بهتری از ساختار فعل‌های حرکتی در این زبان داشته باشیم.

¹ general motion verb

² accompany verb

۴-۱ مفاهیم بنیادی

مهمترین مفاهیمی که در این رساله به کار گرفته شده، به قرار زیرند:

الگوی واژگانی شدگی:

الگوهای واژگانی شدگی روابط نظام‌مند در زبان بین معنا و صورت زبانی هستند. برای تعیین الگوهای واژگانی شدگی در یک زبان، ابتدا عناصر حوزه معنایی و حوزه زبانی به طور جداگانه انتخاب می‌شود. برای نمونه عناصری مانند مسیر، شیوه و پیکر عناصر معنایی و عناصری مانند فعل، بند وابسته و تابع عناصر زبانی‌اند. سپس بررسی می‌شود که عناصر معنایی از طریق کدام عناصر زبانی بیان می‌شود. این رابطه لزوماً یک‌به‌یک نیست. به این ترتیب مجموعه‌ای از اصول جهانی و الگوهای رده‌شناختی حاکم بر زبان‌ها به دست داده می‌شود (تالمی، ۲۰۰۰: ۲۲).

زبان فعل بنیاد:

زبان فعل بنیاد، مانند اسپانیایی، فرانسوی و ترکی، عموماً مسیر را که جزء اصلی رویداد حرکت است در ریشه فعل بیان می‌کنند و بیان شیوه را به عهده افزوده‌ها می‌گذارند. بنابراین در این گونه زبان‌ها شیوه عنصری اختیاری است (تالمی، ۲۰۰۰).

زبان‌های تابع بنیاد:

زبان‌های تابع بنیاد، مانند انگلیسی، آلمانی و فنلاندی عنصر هسته‌ای رویداد حرکت، یعنی مسیر یا جهت حرکت را در تابع‌ها یا در گروه‌های حرف اضافه بیان می‌کنند. از این رو شیوه حرکت به راحتی می‌تواند در ریشه فعل بازنمود یابد (تالمی، ۲۰۰۰).

مسیر:

مسیر جهتی است که پیکر هنگام به انجام رسیدن حرکت می‌پیماید. در زبان‌ها، مسیر حرکت با اجزاء زبانی گوناگونی بیان می‌شود. در برخی زبان‌ها مسیر در ریشه فعل، و در برخی دیگر در تابع‌ها یا گروه‌های حرف اضافه بیان می‌شود (فرز، ۲۰۰۸).

شیوه:

شیوه طرز به انجام رسیدن حرکت است. این عنصر یکی از اجزاء فرعی یا هم‌رویداد حرکت است. شیوه در زبان‌ها یا در ریشه فعل و یا در افزوده‌ها ظاهر می‌شود. زبان‌های گوناگون اطلاعات مختلفی را درباره شیوه حرکت به دست می‌دهند (فرز، ۲۰۰۸).

پیکر:

پیکر موجودیتی است که متحمل حرکت می‌شود. در واقع، پیکر موجودی در حال حرکت یا قادر به حرکت است که مسیر یا مکانش مورد توجه است. در اکثر زبان‌ها مفهوم پیکر را یک گروه اسمی بیان می‌کند. اما در برخی از زبان‌ها این مفهوم در ریشه فعل بازنمود می‌یابد (تالمی، ۲۰۰۰).

زمینه:

زمینه موجودیتی است که پیکر نسبت به آن حرکت می‌کند. لازم به ذکر است که مفاهیم پیکر و زمینه از روان‌شناسی گشتالت گرفته شده‌اند، اما تالمی آنها را در تعبیر دیگری به کار برده است. زمینه، قالبی مرجع یا شیئی مرجع است که مسیر پیکر با توجه به آن تعیین می‌شود (فرز، ۲۰۰۸).

¹ P. C. Férez

۱-۵ ساختار پژوهش

رساله حاضر در ۵ فصل نوشته شده است. فصل مقدمه به طرح مسئله و ضرورت انجام پژوهش می‌پردازد و با معرفی پژوهش، و سؤالات و فرضیه‌های آن و شرحی دربارهٔ پیکره و روش انجام پژوهش باب ورود به فصل‌های بعدی است.

در فصل دوم ابتدا خلاصه‌ای از نحوه طبقه‌بندی و تحلیل فعل‌های حرکتی از دیدگاه رویکردهای زبان‌شناختی غیرشناختی ارائه می‌شود. بخش اعظم فصل دوم مروری است بر پیش‌زمینه نظری این رساله، و به شکل‌گیری و گرایش‌های اصلی زبان‌شناسی شناختی و نیز خطوط و گرایش‌های اصلی تحقیق در حوزه معنی‌شناسی شناختی با توجه خاص به معنی‌شناسی مفهومی می‌پردازد. در این فصل همچنین نظریهٔ الگوهای واژگانی‌شدگی تالمی (۱۹۸۵، ۲۰۰۰) برای حرکت ارائه می‌شود. تمرکز اصلی تالمی کشف روابط نظام‌مند بین معنا و صورت‌های زبانی است. او در بررسی‌هایش در حوزه حرکت دو گونه رده‌شناسی پیشنهاد می‌دهد که عبارتند از طبقه‌بندی سه‌گانه و دوگانه از زبان‌ها که از دو گونه رابطه بین معنا و صورت‌های زبانی نتیجه می‌شود. با در نظر گرفتن اینکه کدام اطلاعات معنایی به طور معمول در ریشهٔ فعل بیان می‌شود، رده‌شناسی ترکیب مسیر، شیوه و پیکر پیشنهاد می‌شود؛ و با در نظر گرفتن اینکه کدام صورت‌های زبانی به طور معمول مسیر حرکت را رمزگذاری می‌کند رده‌شناسی زبان‌های تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد نشان داده می‌شود. در بخش‌های بعدی این فصل، دو پیشنهاد برای اصلاح رده‌شناسی دوگانهٔ تالمی ارائه می‌شود. پیشنهاد‌های جدید هم شمار زیادی از زبان‌ها را شامل می‌شود و هم مشاهداتی را دربردارد که نشان می‌دهد زبان‌هایی که در درون یک گروه رده‌شناسی‌اند همچنان در بیان شیوه و مسیر تفاوت‌هایی دارند. در بخش دیگری از این فصل فرضیهٔ نسبت زبانی ساپیر و ورف و نسخهٔ ضعیف‌تر این فرضیه، یعنی فرضیهٔ اندیشه برای صحبت کردن^۱ (اسلوبین، ۲۰۰۴) ارائه می‌شود. حوزه حرکت برای کشف اینکه چگونه الگوهای معنایی زبان‌ویژه روش صحبت کردن و فکر کردن در مورد حرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد بسیار مناسب است.

فصل سوم خلاصه‌ای است از پژوهش‌هایی که در حوزه‌های مختلف علمی دربارهٔ حرکت انجام شده است. این حوزه‌ها عبارتند از فلسفه، روان‌شناسی و زبان‌شناسی. حوزهٔ زبان‌شناسی حاوی خلاصه‌ای از حجم بسیار زیادی از پژوهش‌هایی است که تحت تأثیر نظریهٔ الگوهای واژگانی‌شدگی تالمی (۱۹۸۵، ۲۰۰۰ الف، ۲۰۰۰ ب) انجام شده‌اند. چنین پژوهش‌هایی در دو بخش دسته‌بندی شده‌اند؛ این دسته‌بندی‌ها عبارتند از (الف) پژوهش‌های مبتنی بر فرضیهٔ اصلاحی اندیشه برای صحبت کردن اسلوبین (۲۰۰۴)، و (ب) پژوهش‌های مبتنی بر نسبت زبانی. فرضیهٔ اندیشه برای صحبت کردن اسلوبین در چندین حوزه پژوهشی به کار برده شده است. هدف این پژوهش‌ها این است که بدانند کاربرد زبان بر فرایندهای ذهنی وابسته به آن چه تأثیراتی دارد. از این رو در این بخش پژوهش‌هایی مرور می‌شوند که بر تأثیری که الگوهای واژگانی‌شدگی بر سبک روایی زبان‌های

¹ Thinking-for-Speaking Hypothesis

تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد و فرایند ترجمه دارد تاکید دارند. به‌علاوه تحقیق بر روی زبان‌های اشاره و زبان بدن، فراگیری زبان و پردازش زبان نیز به‌طور خلاصه مرور می‌شوند. تحقیقات زبانی بر روی بیان حرکت، نشان‌دهنده روش‌های عادت‌گونه گفتار و نوشتار درباره حرکت است. بخش بعدی این فصل تحقیقات مبتنی بر نسبیّت زبانی را ارزیابی می‌کند. این سؤال که آیا تفاوت در رمزگذاری حرکت به مفهوم‌سازی گوناگون رویداد حرکت توسط زبان‌وران زبان‌های تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد می‌انجامد یا خیر مورد مطالعه قرار گرفته است، اما داده‌های این رده از تحقیقات ناکافی ارزیابی می‌شود و نمی‌توان به نتیجه‌گیری‌های آنها با قطعیت استناد کرد.

فصل چهارم ماهیت معنی‌شناختی فعل‌های حرکتی فارسی را بررسی می‌کند و شرحی دقیق از انواع مسیر و شیوه در آنها به دست می‌دهد. در ابتدای این فصل اهداف، سؤالات تحقیق، پیکره و روش‌شناسی را مرور می‌کنیم. سپس اطلاعات معناشناختی که از مشاهده رفتار فارسی در بازنمود اجزاء معنایی رویداد حرکت به دست می‌آید بررسی می‌شود. بخش بعدی بر فعل‌های مسیرنما و انواع مفاهیم مسیر که به نظر می‌رسد در فعل‌های حرکتی فارسی بیان می‌شود تاکید می‌کند. ماهیت معنایی فعل‌های شیوه‌نما در این زبان و انواع اطلاعات شیوه که به نظر می‌رسد در فعل‌های حرکتی این زبان واژگانی می‌شود نیز در این فصل آورده خواهد شد.

در فصل پنجم، یافته‌های اصلی این رساله را خلاصه می‌کنیم و به پرسش‌ها پاسخ داده و فرضیه‌ها را محک می‌زنیم. همچنین در این فصل مسیرهای ممکن برای تحقیقات بیشتر را بررسی می‌کنیم و پیشنهاداتی برای فرهنگ‌نگاری ارائه می‌کنیم.

فصل دوم

مبانی نظری

۱-۲ مقدمه

در این بخش، رویکردهای مختلف زبان‌شناسی را به موضوع حرکت بیان می‌کنیم. در میان این دیدگاه‌ها رویکرد شناختی، مبنای نظری رساله حاضر خواهد بود. زبان‌شناسی شناختی یکی از شاخه‌های اصلی نسل دوم علوم شناختی است. در سال‌های اخیر، در زبان‌شناسی شناختی پژوهش‌های گسترده‌ای برای بررسی جنبه‌های مختلف بازنمود مفاهیم معنایی صورت گرفته است. هدف آنها این است که مشخص شود چگونه این‌گونه مفاهیم در زبان بازنمود می‌یابند و کدام عناصر زبانی در زبان‌های مختلف این مفاهیم را نشان می‌دهند. در حقیقت این پژوهش‌ها به دنبال یافتن رابطه رویدادهای غیرزبانی با عناصر زبانی هستند. سؤال این است که رابطه مفهوم‌سازی‌های غیرزبانی رویدادها با عناصر زبانی چگونه است. برخی از این رویدادهای غیرزبانی عبارتند از مکان^۱، زمان^۲، حرکت، و غیره است. بررسی‌های زبان‌شناسی شناختی بر روی این گونه روابط نشان می‌دهد که زبان‌های مختلف از ابزارها و راهکارهای مختلفی برای بازنمود چنین رویدادهایی استفاده می‌کنند. هر زبان روش خاص خود را برای صحبت در مورد این رویدادها دارد و از این رو زبان‌ها در بازنمود مفاهیم در واژگان و مقوله‌های دستوری تفاوت نشان می‌دهند. پیشنهادات مختلفی برای توضیح ماهیت و نتایج این بازنمودها ارائه شده است که همگی بر موضوع جهانی بودن مقوله‌های مفهومی و شباهت روش دستوری‌شدگی و واژگانی‌شدگی آنها صحنه گذاشته‌اند. این‌گونه پژوهش‌ها، با بررسی نحوه عملکرد زبان، به دنبال بررسی چگونگی عملکرد ذهن در مواجهه با مفهوم‌سازی هستند؛ از این رو نتایج آنها در حوزه‌های روان‌شناسی و عصب‌شناسی نیز قابل استفاده است.

¹ space

² time